

اقتصاد ایران، از خرابه پهلوی تا گام‌های بزرگ انقلاب



بخش اول

گذاشته است؛ از چالش‌های مختلف ناشی از جنگ تحمیلی تا یک دهه تحریم مستقیم نفت و بانک مرکزی، علاوه بر این، برخی سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی هم طی دهه‌های اخیر بر پیکر نحیف اقتصاد ایران تحمیل شد که به‌تنهایی آثار مشخص نامطلوبی بر شاخص‌های کلان اقتصاد ایران داشته است.

اگر بخوایم در این خصوص به آمارها نیز رجوع کنیم، بر اساس برآوردهای مختلف، شوک ناشی از جنگ تحمیلی، حدود یک‌هزار میلیارد دلار به کشور ضربه زد و در دهه دوم انقلاب تلاش شد، این خسارت‌ها جبران شود. برآوردهای مختلف نشان می‌دهد، در چهار دهه اخیر چیزی حدود یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار ارزی داشتیم که حداقل یک‌هزار میلیارد دلار آن بدلیل جنگ و تحریم هزینه شده و تنها ۵۰۰ میلیارد دلار برای اقدامات اقتصادی باقی مانده است. در بحث تحریم‌ها نیز به‌صورت مشخص غرب مانع از دسترسی کشور به درآمدهای ارزی و دارایی‌های ایران در کشورهای مختلف شده است که از این مسیر، خسارت جدی به اقتصاد ایران تحمیل شد.

البته در بحث سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی هم، اشتباهاتی به‌ویژه در برخی دولت‌ها به‌واسطه اتکای بیش از حد به غرب وجود داشته است؛ اما اقتصاد ایران به‌صورت مداوم تحت تأثیر شوک‌های مختلف قرار گرفته است؛ شوک اول، جنگ تحمیلی بود. با سیاست‌های تعدیلی در دهه هفتاد شمسی، در دهه نود نیز دو شوک شدید تحریمی را شاهد بودیم. با وجود ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و تأکید ویژه رهبر انقلاب بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت همه‌جانبه از تولید داخل و متنوع‌سازی شرکای خارجی و گسترش ارتباط اقتصادی با همسایگان، متأسفانه شاهد ضعف‌های جدی در خروجی‌ها و شاخص‌های اصلی اقتصاد بودیم. به‌نظر می‌رسد اگر نقصانی در این زمینه وجود دارد، به‌دلیل تحریم و برخی سیاست‌های غلط دولت‌هاست.

- خسارت صد‌هاییلیارد دلاری جنگ تحمیلی بر اقتصاد ایران**

هشت سال جنگ تحمیلی در ایران، با تحمل هزینه‌های فراوانی همراه بود؛ جنگی که علاوه بر هزینه‌های انسانی، خسارت‌های فراوانی را به‌دنبال داشت. براساس منابع جمع‌آوری‌شده در کتاب اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، به‌قلم فرهاد دژپسند، میزان خسارت‌های مستقیم وارداشده به ایران از محل تخریب ساختمان‌ها و تأسیسات، ماشین‌آلات و تجهیزات و مواد کالاهای سرجمع رقمی بالغ بر ۳۰۸۱ میلیارد تومان به‌نرخ جاری سال ۵۹ تا ۶۷ بود. این ارقام نشان‌دهنده عمق بالای خسارات جنگ تحمیلی به نظام نوپای ایران است. کل درآمد نفتی ایران، طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۳؛ یعنی قبل از دوران طلایی رونق بازار نفت معادل ۴۳۲ میلیارد دلار بوده است؛ یعنی بسیار کمتر از خسارت‌های جنگ تحمیلی و با احتساب درآمدهای طلایی هشت سال اخیر، کل درآمد حاصل از صادرات نفت خام ایران طی ۳۲ سال اخیر به رقمی حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار می‌رسد که می‌توان گفت، بخشی عمده از این درآمدها در دوران جنگ از زیرساخت‌های اقتصادی کشور حذف شده است؛ زیرساخت‌هایی که بعضاً در برخی از مناطق جنگ‌زده کشور هنوز هم، مانند آنچه پیش از آغاز جنگ بود، بازسازی نشده است.

همچنین با وجودی که تحریم در سال‌های گذشته اصلی‌ترین عامل تحمیل شوک به اقتصاد ایران بوده است؛ اما آمار دقیقی از میزان خسارتی که به اقتصاد ایران وارد آورده، منتشر نشده است؛ البته محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه وقت ایران در این‌باره از زیان یک‌تریلیون‌دلاری تحریم‌های جدید آمریکا بر اقتصاد ایران خبر می‌دهد. پیش از این هم گزارشی توسط مؤسسه عالی مدیریت و برنامه‌ریزی منتشر شده است که فهرستی نسبتاً جامع از میزان اثرگذاری تحریم بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران است. به‌نظر می‌رسد، این فهرست را وزارت امور خارجه گردآوری کرده است که احتمالاً مورد استناد آقای ظریف هم قرار گرفته است. این گزارش نشان می‌دهد، کدام بخش‌ها از تحریم آسیب دیده‌اند و نمایانگر چگونگی آن است.

۳.دستاوردهای بزرگ اقتصادی علی‌رغم تحویل اقتصاد ویران از شاه و تحمیل ۴۰ساله جنگ و تحریم

علی‌رغم اینکه اقتصاد ایران قبل از پیروزی انقلاب مشکلات عدیده داشت و دچار انواع و اقسام ناکارآمدی‌ها و مشکلات معیشتی و توسعه‌ای بودیم و علی‌رغم فشارهای بی‌حدی که دشمنان ایران طی این چهل و اندی سال و جنگ و تحمیل شدیدترین تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران اعمال کردند؛ ولی به‌برکت رویکردهای مردم‌محور، عدالت‌خواهانه و فسادستیز جمهوری اسلامی و همچنین رهبری هدایت‌گونه حضرت امام ^{علیه السلام} و امام خامنه‌ای به‌ویژه در حوزه ابلاغ سیاست‌های اقتصادی که در ادامه بیشتر توضیح خواهیم داد، شاهد دستاوردهای بزرگ در حوزه توسعه و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، بهره‌مندی عموم مردم از امکانات رفاهی و معیشتی، محرومیت‌زدایی از روستاها و مناطق محروم، گسترش تولید و صنایع، رونق کشاورزی و تأمین امنیت غذایی و در یک کلام تسریع در رشد شاخص‌های توسعه انسانی طی دهه اخیر بودیم.

ادامه دارد...

جمهوری اسلامی در حالی اقتصاد بحرانی مملو از فساد و ضد‌مردمی را از پهلوی تحویل گرفت که این اقتصاد امروز پس از تحمل ۴۰ سال جنگ و تحریم سخت، گام‌های بزرگی را به‌سمت موفقیت برداشته است که متأسفانه در سایه برخی مشکلات اقتصادی امروز پنهان شده است.

سال ۱۴۰۰ در حالی آخرین روزهای خود را به پایان می‌برد که عملاً در پایان آخرین روزهای یک قرن پرفراز و نشیب قرار گرفته‌ایم. حافظه تاریخی مردم ایران گواه چالش‌های بزرگی در عرصه اقتصاد است. از وضعیت نابه‌هنجار آموزش و رفاه، بحران تولیدات کشاورزی و فراموش شدن توسعه روستا در قبل از انقلاب تا نفتی شدن تمام ابعاد اقتصاد ایران در دهه پنجاه از یک سو و تحمیل جنگ هشت‌ساله در دهه شصت و شروع دوره سازندگی و چالش‌های ناشی از تحریم‌های همه‌جانبه و فشار حداکثری بر معیشت مردم در دهه اخیر.

با وجود تمام ناکارآمدی‌ها، سیاست‌گذاری‌های سویه‌دار به‌نفع یک قشر خاص و مفاسد رخ‌داده در دوره قبل از انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شاهد تحولات اساسی در جهت‌گیری‌ها و اقدامات سیاست‌گذاران، مسئولان و از همه مهمتر، خود مردم به‌عنوان صاحبان اصلی کشور بودیم. دستاوردهای اقتصادی در جمهوری اسلامی جدای از مباحث کمی، یک بعد دیگر نیز داشته است که شاید کمتر به آن پرداخته شده است. تغییر جهت‌گیری‌ها و چرخش به‌سمت مردم و حمایت از اقشار فرودست، سیاست جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف بوده است و همین موضوع، در تعمیق و استحکام رابطه مردم و نظام جمهوری اسلامی آثاری غیرقابل چشم‌پوشی داشته است.

اقتصاد ایران، پس از انقلاب اسلامی با وجود برخی سیاست‌های غلط و ناکارآمدی‌ها و تمام فشارهای خارجی و تحریم‌های یک‌جانبه که شاید هیچ کشوری توان ایستادگی در برابر آن را نداشته باشد، همچنان به حرکت خود ادامه می‌دهد.

امروز ایران در حوزه‌هایی مثل خودکفایی و تأمین معیشت مردم، تولیدمحوری و تلاش برای عبور از اقتصاد نفتی، توسعه انسانی، درآمد سرانه، اقتصاد دانش‌بنیان و... صاحب ادبیاتی منحصر به فرد است که چارچوب‌های آن در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی طراحی شده است.

از سوی دیگر، وضعیت خاص منابع طبیعی و فرصت‌های بالقوه و به‌کار گرفته‌نشده در ابعاد مختلف اقتصادی از انرژی، کشاورزی، ظرفیت راهبردی حوزه ترانزیت، دسترسی به آب‌های اقیانوسی، موقعیت ژئواستراتژیک تا پنجره جمعیت جوان کشور، وضعیت مطلوب نظام آموزش‌عالی کشور، عزم راسخ برای مبارزه با فساد و تحقق شفافیت، چشم‌انداز بسیار روشنی را پیش‌روی مردم ایران قرار داده است.

در این گزارش تلاش کرده‌ایم، ضمن واکاوی کوتاه وضعیت شاخص‌های اقتصادی قبل از انقلاب و دوران پهلوی، به بررسی آسیب‌های گسترده جنگ تحمیلی، تحریم‌های ۴۰ساله، انواع دشمنی‌های خارجی و برخی سیاست‌های غلط پیردازیم و در ادامه سعی می‌کنیم، بخشی از توفیقات کمتی و کیفی جمهوری اسلامی در حوزه‌هایی مثل انرژی، کشاورزی، صنعت، سرمایه‌گذاری و... با هدف تحقق اهدافی مثل فقرزدایی، تحقق عدالت اجتماعی و استقلال کشور مرور شود تا مشخص شود که ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه اقتصاد ایران در گام دوم انقلاب می‌تواند نویدبخش یک شروع تازه برای مردم ایران باشد.

«وضعیت ایران به‌طور کلی، به‌مراتب بدتر از کشوری مانند سوریه است که نه نفت و نه ثبات سیاسی دارد؛ به این دلیل که شاه برای توسعه کشور هرگز تلاش جدی نکرده است... ثروت کشور بیشتر به‌سوی خودروهای شخصی و نه توبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به‌سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و نه آموزگاران، سرازیر شده است.»

قطع برق هم یکی دیگر از معضلات پایتخت ایران در آن دوران بود. پرویز راجی ـ آخرین سفیر رژیم پهلوی در لندن ـ می‌گوید: «موقعی که به تهران رسیدم، در هتل هیلتون، برای اولین‌بار به خاموشی برق برخوردیم که در ساعت شش‌ونیم بعد از ظهر آغاز شد و به‌مدت چهار ساعت تمام ادامه یافت. در طول این مدت، هیچ نقطه‌ای از شهر برق نداشت.»

- روایت وارونه از تورم صف‌زدردی در دوره ستم‌شاهی**

یکی دیگر از مشخصه‌های ایران دهه ۵۰ افزایش تورم است. عبدالمجید مجیدی که از دی‌ماه ۱۳۵۱ به ریاست سازمان برنامه و بودجه تعیین شده بود، می‌گوید: «پس از افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۳۵۰ و بعد و به‌دنبال آن افزایش بودجه دولت، تورم خیلی شدیدی به‌وجود آمد و علت آن این بود که برخورد صحیحی با مسئله افزایش قیمت نفت وجود نداشت. سعی می‌شد راه‌حل‌ها از طریق پیدا شود که خیلی قابل توجیه نبود.»

براساس آمار ارائه‌شده توسط بانک مرکزی، نرخ تورم در سال ۱۳۵۶ به بیش از ۲۵ درصد رسید.

- ۸۵درصدشرکت‌های کشور در دست ۴۵خانواده**

در مباحث اقتصادی وظایف دولت‌ها در سه زمینه تخصیص منابع، تثبیت و توزیع درآمد موردنظر قرار می‌گیرد. در این راستا موضوع توزیع عادلانه درآمد و اجرای عدالت اجتماعی و توجه بیشتر به نیازهای تمامی اقشار جامعه اعم از مولد، غیرمولد یا آسیب‌پذیر در جهت حمایت از حداقل میزان معیشت زندگی آنان، یکی از عمده‌ترین مباحث و مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. اقتصاددانان برای سنجش وضعیت توزیع درآمد و به‌تناسب آن، برای شناخت میزان آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی در جامعه، از شاخص آماری ضریب جینی استفاده می‌کنند که عدد آن، بین صفر (اشاره به برابری کامل در توزیع درآمدها) و یک (حاکی از نابرابری کامل در توزیع درآمدها یا خارج) است.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد، ضریب جینی در ایران از ۰٫۲۶۰۶ در سال ۱۳۵۱ به ۰٫۴۹۹۲ در سال ۵۳ و ۰٫۵۰۲۰ در سال ۵۴ رسیده بود که این میزان تا سال ۱۳۵۶ به ۰٫۴۵۸۴ رسیده است. آمارهای بانک جهانی نیز این ارقام را تأیید می‌کند؛ به‌طوری‌که ضریب جینی ایران تا سال ۱۹۷۵ به ۰٫۵۰۲ رسیده است. این در حالی است که در همین زمان رقم ضریب جینی در کشورهای چین، هند و ترکیه به‌ترتیب ۰٫۲۶۰۶، ۰٫۴۲۰۰ و ۰٫۴۷۰۰ بوده است.

در همین زمینه یکی دیگر از شاخص‌های ارزیابی وضعیت نابرابری در جامعه، نسبت درآمد ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جامعه است که این میزان، براساس آمارهای بانک مرکزی ایران در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی از ۲۲٫۸ به ۲۹٫۵ در سال ۵۳ و ۳۳٫۴ در سال ۵۴ رسیده بود که درنهایت در سال ۵۶ نیز رقم ۲۴٫۷ است. قابل ذکر است که براساس آمارهای بانک مرکزی ایران، این رقم در زمان حاضر، حدود ۱۴ است که وضعیت بسیار بهتری را نسبت به قبل از انقلاب نشان می‌دهد. بر بررسی نابرابری‌های اقتصادی در دوره پهلوی، این نکته قابل تأمل است که از جمله سیاست‌های استبدادی شاه، تمرکز قدرت در شهرها و آن‌هم در دست عده‌ای خاص بود؛ سیاست‌هایی که منجر به ظهور یک طبقه وابسته از بورژوازی شد؛ چنان‌که در سال ۱۳۵۵ تنها ۴۵ خانواده، کنترل حدود ۸۵ درصد شرکت‌ها را در دست داشته‌اند.

گفتنی است، از جمله علانم آسیب‌سازی رفاه اجتماعی، گسترش فاصله طبقاتی، توزیع نامتعادل درآمد و ثروت است که خود منجر به فرونی جمعیت زیر خط فقر و سوء‌تغذیه می‌شود. یکی از مطالعات بسیار دقیق و جامع در زمینه فقر در دوره پهلوی، مطالعات مرحوم دکتر حسین عظیمی (به‌نقل از همایون کاتوزیان، ص ۳۱۶ تا ۳۲۰) است. عظیمی در رساله دکترای خود که در دانشگاه آکسفورد و تحت‌عنوان «بررسی رابطه رشد اقتصادی، توزیع درآمد و فقر با توجه به مسائل ایران» انجام شده است، سه رده مصرف‌کارری را در ایران مشخص می‌کند که معرف «سه خط فقر» متمایز هستند. بر این اساس، خط «الف» معرف مصرف ۹۰ تا ۹۹ درصد حداقل نیاز کالریک، خط «ب» معرف مصرف ۷۵ تا ۹۰ درصد حداقل نیاز کالریک و خط «پ» معرف مصرف ۷۵ درصد کمتر از حداقل نیاز کالریک است. عظیمی با به‌کارگیری این تعاریف به این نتیجه دست یافته است که «از مجموع ۳۰ میلیون و ۷۰۰ نفر جمعیت ایران در سال ۱۳۵۱، مصرف کالری ۱۶ میلیون نفر (یعنی ۵۲ درصد جمعیت کشور) کمتر از حداقل نیاز بود و چهارمیلیون نفر از این جمعیت ۱۶میلیونی، دچار سوء‌تغذیه شدیدی (مصرف کمتر از ۷۵ کالری) بوده‌اند.

۲.هجمه سنگین ۴۵ساله دشمن به اقتصاد ویرانی که از شاه تحویل گرفتیم، از جنگ تحمیلی تا شدیدترین فشارهای تحریمی

اقتصاد ایران در چهار دهه اخیر فراز و نشیب‌های مختلفی را پشت‌سر

۱.روایت مختصر تاریخی از وضعیت تکان‌دهنده و ویران‌شده اقتصاد ایران و رفاه مردم پیش از انقلاب

«اشپیکل» در سال ۱۹۵۲ میلادی (۱۳۳۱ ش.) و در شماره ۳۴، به ارائه گزارشی تحلیلی و میدانی از ایران پرداخت. در بخشی از این گزارش آمده است: «از صدها کلبه پر از شپش و فقیرانه منطقه ۱۰ تهران واقع در جنوب شهر، هر شب بوی تریاک به بیرون می‌خزد و با بوی نفرت‌انگیز جوی‌های شهر مخلوط می‌شود. وضعیت آب آشامیدنی، دفع زباله و کانال‌های پایتخت میلیون‌نفری ایران بدین‌گونه است. آب این جوی‌ها بوی ادرار می‌دهد، زباله‌ها به‌شدت فاسد شده‌اند و تعفن حاصل از مدفوع و فضولات انسانی و حیوانی، شمام را آزار می‌دهد... تخمین زده می‌شود که دروسم مردم ایران، تریاک مصرف می‌کنند... بیماری سل، پیامد نوعی بهره‌کشی عمومی و بی‌رحمانه از نیروهای کار است. کودکان ۵ساله و زنان جوان و ۳۰ساله مانند پیرزنانی فروت و بدون دندان می‌شوند و شمار بالایی از کارگران، غالباً ده تا دوازده ساعت از روز را در فضاهای بدون نور کارگاه‌ها و کاروان‌سراهایی که قالی‌بافی نان دارند، کار می‌کنند.»

- دهه پنجاه و سرازیرشدن درآمدهای نفتی و انتفاع اقشار خاص از ثروت‌های ملی**

در دهه ۵۰ شمسی قیمت نفت به‌یک‌باره افزایشی قابل توجه پیدا کرد؛ به‌طوری که سهم درآمدهای نفتی ایران نسبت به کل درآمدهای دولتی، از ۱۱ درصد در سال ۱۳۳۳ به حدود ۸۶ درصد در سال ۱۳۵۳ افزایش یافت. براساس آمارهای موجود، درآمد نفتی شاه از ابتداای دهه ۵۰ سیر افزایش نجومی خود را آغاز کرده بود. میزان درآمد نفت که در سال ۱۳۴۲، ۵۵۵ میلیون دلار و در سال ۱۳۴۷، ۹۸۵ میلیون دلار بود، در آغاز دهه ۵۰ به ۱٫۸ میلیارد دلار رسید و طی سال‌های بعد روند رو به رشد خود را ادامه داد؛ به‌طوری‌که به‌عایدات نفت ایران از ۱میلیارد و ۸۷۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۰ به بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید.

- وضعیت آشفتنه مسکن؛ از زاغه‌نشینی تا عادی شدن بدمسکنی در ایران پیش از انقلاب**

افزایش چندبرابری قیمت نفت ایران در دهه ۵۰ تأثیر مثبتی بر سطح رفاه مردم نگذاشت. روستاییان که با فقر دست و پنجه نرم می‌کردند، با رویای دستیابی به زندگی بهتر به‌سمت شهرها روان شده بودند. بعد از رسیدن به تهران با مشکل مسکن مواجه و گرفتار بلایی دیگر یعنی زاغه‌نشینی شدند. کارگران وضع مناسبی نداشتند و در بدیختی به‌سر می‌پردند.

اوضاع مسکن در ایران دهه ۵۰، بسیار وخیم بود. براساس بررسی‌های پرواند آبراهامیان (تاریخ‌نگار ایرانی ارمنی‌تبار و نویسنده کتاب ایران بین دو انقلاب)؛ «از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۳ درصد خانواده‌های شهری که در یک اتاق زندگی می‌کردند، از ۳۶ به ۴۴ درصد] رسید. در آستانه انقلاب، ۴۲ درصد از خانواده‌های تهرانی مسکن مناسبی نداشتند»

- معیشت کارگران و برنامه‌های ناکام رفاه اجتماعی**

کارگران هم زندگی مناسبی نداشتند. آبراهامیان می‌نویسد: «قشر پایین‌تر طبقه کارگر- به‌ویژه کارگران ساختمانی، دست-فروش‌ها، کارکنان کارخانه‌های کوچک و کارگران موقت، که مشمول طرح‌های بیمه و برنامه‌های مشارکت در سود نبودند، از مزایای برنامه‌های رفاه اجتماعی بهره‌مند نمی‌شدند. به‌بیان دیگر، درآمدهای بیش از حد نفت، به فقر این توده‌های میلیونی که بیشترشان از روستاها به شهرها رانده شده بودند، پایان نداد؛ بلکه شکل آن را مدرن کرد.» به‌روایت بی‌واسطه مستندنگاران غربی در ایران دهه ۵۰ شمسی «با وجود افزایش شدید قیمت نفت و درآمد حکومت شاه، هیچ اثر مثبتی در وضعیت زندگی و معیشت مردم به وجود نیامد. روستاییان فلک‌زده که امکان ادامه زندگی در زادگاه خود را نداشتند، به شهرها سرازیر شدند تا بلکه به زندگی بهتری دست پیدا کنند که نه‌تنها چنین اتفاقی نیفتاد؛ بلکه سبب ایجاد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی در اطراف شهرها و پیامدهای اجتماعی فراوانی شد.»

بیش از ۴۰ درصد خانوارهای شهری، در یک اتاق زندگی می‌کردند و قدرت تهیه خانه‌ای بزرگتر را نداشتند. برخی افزایش حقوق‌ها در این دوران، چون متناسب با کاهش قدرت خرید مردم در طول سال‌های گذشته نبود، نتوانست هیچ تغییر محسوسی برای قشر ضعیف جامعه به وجود آورد.

«در سال ۱۳۵۴ شاه دستور داد، دستمزد کارگران در ۲۱ واحد بزرگ صنعتی کشور، تا ۳۰ درصد اضافه شود و در سال بعد نیز، اکثر کارگران، مبلغی به‌اندازه حقوق یک ماه خود به‌عنوان عیدی، در نوروز ۱۳۵۵ دریافت داشتند. در همین خصوص مینو مصیمی از نزدیکان دربار پهلوی می‌گوید: علی‌رغم افزایش درآمد طبقات مزب‌بگیر، هیچ بهبودی در معیشت آنها پدید نیامد و اکثر ا در شرایط سخت، به زندگی ادامه می‌دادند.»

کمبود کالاهای اساسی در این دهه، یکی دیگر از مشکلات جدی کشور بود که با وجود درآمدهای هنگفت نفتی، اقدامی برای حل آن انجام نمی‌شد و شاه معتقد بود که مردم باید یاد بگیرند تا بدون آنها زندگی کنند. در همین راستا، فرانسیس فیتزجرالد، نویسنده معروف آمریکایی- که برادرزاده سفیر آمریکا نیز بود- وضعیت ایران در سال ۱۳۵۳ را «بدتر از سوریه» ارزیابی می‌کرد و می‌گفت:

اخلاق در حوزه <div></div>	
<div></div> <div><div>امتحانات عصر غیبت</div><div>آیت‌الله‌العظمی صافی‌گلپایگانی ^{رحمه‌الله}</div></div>	

در عصر غیبت کسب رضای امام زمان ^{علیه السلام} و حفظ دین و ایمان بسیار اهمیت دارد. همه مردم موفق به حفظ ایمان نمی‌شوند. در روایت جابرین عبدالله انصاری است که وقتی این آیه شریفه نازل شد که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱.

از حضرت رسول ^{صلی الله علیه و آله} سؤال کرد:

يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أَوْلُوا الْأَمْرَ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ؟

«فَقَالَ ^{صلی الله علیه و آله}: يَا جَابِرُ هُمْ خُلَفَائِي وَأُئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْلُهُمْ عَلَى نَبِّئِ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوَرَةِ بِالْبَاقِرِ وَسُتْدْرُكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِئِيلُ وَكَنْيَتِي خُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ إِنَّهُنَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شَيْعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يُثْبُثُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلإِيْمَانِ...»^۲.

ما خدا و رسول را شناختیم. اولی الامری که خداوند اطاعت آنها را مقرون به اطاعت شما کرده است، چه کسانی هستند؟

حضرت فرمود: «آنها جانشینان من و ائمه مسلمین بعد از من هستند؛ اول آنها علی‌بن ابی‌طالب است و تا حضرت صاحب الامر ^{علیه السلام} اسم بردند و فرمودند: او کسی است که خداوند به دست او مشرق و مغرب‌های زمین را فتح می‌کند. او

کسی است که غایب می‌شود از شیعیان و دوستانش؛ غیبتی طولانی که باقی نمی‌ماند بر عقیده به امامت او؛ مگر کسی که خداوند متعال دل او را به ایمان امتحان و آزمایش کرده باشد.»

حفظ ایمان در زمان غیبت بسیار اهمیت دارد و کسانی که با ایمان و عقیده ثابت می‌مانند، باید شکر خدا را به‌جا آورند که خداوند متعال آنها را به نعمت ولایت امام عصر ^{علیه السلام} مفتخر و بهره‌مند فرموده است.

در عصر غیبت بعضی از امتحانات بسیار شدید است. در روایات است که یکی از امتحانات در عصر غیبت، راجع به بانوان است، خانم‌ها باید متوجه باشند که امروز می‌خواهند، هویت اسلامی زنان را تغییر دهند. این امتحان بزرگی است و همه زن‌ها از این امتحان بیرون نمی‌آیند؛ مگر کسانی که خداوند دلت آنها را به ایمان آزمایش کرده باشد و ارتباط خود را با امام زمان ^{علیه السلام} حفظ کرده باشند.

می‌بینید در روزنامه‌ها و مجلات، چه حرف‌ها و دعوت‌هایی می‌شود. می‌خواهند به اسم آزادی زن، هویت اسلام و فرهنگ اسلامی آنان را عوض کنند. اینها مطالبی است که در دوره آخرالزمان واقع می‌شود.

در روایتی در کتاب «من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق که در حدود هزار سال پیش تألیف شده است، از حضرت امیر ^{علیه السلام} نقل شده که حضرت رسول ^{صلی الله علیه و آله} می‌فرمایند:

«يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَوَئِمَّةِ، نَبْؤُهُ كَاشِفَاتُ غَارِبَاتٍ مُتَّبِعَاتُ مِنَ الدِّينِ، دَخَالَثُ فِي الْفِتَنِ، مَائِلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَجِلَاتُ لِلْفَخْرَمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتُ»^۳.

الحمدلله شما در این موقعیتی که الآن فراهم شده، تعلیمات اسلام و معارف اهل‌بیت ^{علیهم السلام} را فرا می‌گیرید. سعادت دنیا و آخرت در احکام اسلامی است. غیر از اسلام هیچ مکتبی نمی‌تواند بشر را به سعادت برساند. این حرفی نیست که ما بخوایم تبلیغ کنیم؛ بلکه با دلیل و برهان برای کسانی که با نظر تحقیقی در مکتب اسلام مطالعه کرده‌اند، به ثبوت رسیده است. اگر بشر بخواد از گرفتاری‌ها و مشکلاتی که دارد نجات پیدا کند، باید به دین اسلام و هدایت قرآن و روش اهل‌بیت ^{علیهم السلام} تمسک پیدا کند.

- پی‌نوشت‌ها**

۱. نساء، ۵۹: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر (اوصیای پیامبر) را!»
۲. صدوق، کمال‌الدین، ص۵۳؛ صافی گلپایگانی، منتخب‌الثر، ج۱، ص۱۱۷۴؛
۳. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۴۰۹؛کنز‌النکاح، باب‌المذموم من اخلاق النساء وصفاتهن، ج۴۳۴؛ «در آخرالزمان نزدیک به قیامت زنانی ظاهر شوند، بی‌حجابان، برهنگان، خودآرستگان برای غیرشورمان، رهاکردگان آیین، داخل‌شدگان در آشوب‌ها، مثلان به شهوات، شتاب‌کنندگان به‌سوی لذات و خوش‌گذرانی‌ها، حلال‌شمارندگان محرمات الهی و واردشوندگان در دوزخ.»



کانال هفته‌نامه افق حوزه

در پیام‌رسان‌های

سروش و ایتا

@ofogh_howzah